

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: جیمز پتراس  
برگردان از: آمادور نویدی  
۰۱ نومبر ۲۰۱۶

## جنگ های اقتصادی امپریالیسم امریکا علیه دوست و دشمن



جیمز پتراس

اهداف حمله اقتصادی امریکا از جمله مراکز قوه محرکه اقتصادی کشورهایی مانند روسیه، چین، المان، ایران و عربستان سعودی، هم چنین سوریه، یمن، ونزوئلا، کوبا و منطقه دونباس اوکراین است ... سازش امریکا - اتحادیه اروپا و ایران به جنگ تجاری واشنگتن علیه تهران پایان نداد. علی رغم توافق ایران برای از بین بردن تأسیسات غنی سازی صلح آمیز اورانیوم و برنامه های تحقیقات هسته ئی خود، واشنگتن سرمایه گذاری با ایران را مسدود کرده است و تلاش می کند که روابط تجاری را تضعیف نماید، در حالی هنوز میلیاردها دلار دارائی های دولت ایران را نگه داشته، که از زمان سرنگونی شاه، از سال ۱۹۷۹ بلوکه کرده است. با این وجود، کمیسیون تجارت المان یک توافق تجاری سه میلیارد دلاری را با ایران در اوایل اکتوبر ۲۰۱۶ امضاء کرد و از امریکا خواست تا به تعهدات خود با تهران عمل کند - که تا حال فایده ای نداشته است. ایران علی رغم تحریمات امریکا، بازارها و تجارت با المان، روسیه، چین و اتحادیه اروپا را به دست آورده است... بازار میلیارد دلاری ایران به دنبال همه چیز از هواپیماهای تجاری گرفته تا ماشین آلات معدن ست. در حالی که رقبای اروپائی و آسیائی در حال امضای قراردادهائی با ایران هستند، به خاطر ادامه اعمال عملاً تحمیل تحریمات اوپاما معاملات تجاری عظیمی با شرکت های امریکائی از دست داده رفته اند .

\*\*\*\*

### جنگ های اقتصادی جهانی واشنگتن

مقدمه:

واشنگتن متجاوزانه، اغلب در طول دو دهه گذشته، به طور مستقیم و یا از طریق کمک های نظامی به متحدان منطقه ئی و پروکسی های خود، جنگ های اقتصادی و نظامی را علیه حداقل نه کشور، به راه انداخته است. نیروهای هوائی و

زمینی آمریکا کشور های افغانستان، عراق، پاکستان، لیبیا، سومالی، سوریه، یمن و لبنان را بمباران کرده و یا به آن ها حمله برده اند.

واشنگتن اخیراً جنگ اقتصادی خود را علیه رقبای اقتصادی بزرگ و هم چنین علیه کشورهای ضعیف تشدید کرده است. آمریکا دیگر انگیزه تجاوزکارانه خود را به اقتصاد کشورهای پیرامونی در خاورمیانه، امریکای لاتین و آسیای جنوبی محدود نمی کند: آمریکا جنگ های اقتصادی خود را علیه قدرت های جهانی در آسیا، اروپای مرکزی و شرقی و کشورهای خلیج فارس اعلام کرده است.

اهداف حمله اقتصادی آمریکا از جمله مراکز قوه محرکه اقتصادی کشورهایمانند روسیه، چین، المان، ایران و عربستان سعودی، هم چنین سوریه، یمن، ونزوئلا، کوبا و منطقه دونباس اوکراین است.

بین جنگ نظامی و اقتصادی یک تمایز فزاینده نازک تر قابل تشخیص وجود دارد، در حالی که آمریکا بارها از یکی به سوی دیگری حرکت می کند، به ویژه وقتی که تجاوز اقتصادی منجر به «تغییر رژیم» نشده است – مانند مورد کمپین تحریم علیه عراق که منجر به حمله ویرانگر و نابودی آن کشور گشت.

در این مقاله، ما ستراتیژی ها و تاکتیک های اساسی جنگ اقتصادی واشنگتن، موفقیت و شکست و عواقب سیاسی و اقتصادی آن را به نسبت به کشورهای هدف و ثبات جهانی بررسی می کنیم .

### جنگ اقتصادی و واشنگتن و قدرت جهانی

در حالی که آمریکا کمپین اقتصادی را علیه دشمنان هدف قرار گرفته و حتی علیه متحدان بلند مدت خود تعقیب می کند، از سلاح های تاکتیکی گوناگونی استفاده کرده است .

دو تا از به اصطلاح متحدان آمریکا، المان و عربستان سعودی، توسط دولت اوپاما و کنگره آمریکا مورد حمله قرار گرفته و از طریق دستکاری «قانونی»، سیستم های مالی و منابع خارج کشور آنها را نشانده گرفته اند. این سطح از تجاوز علیه قدرت های مستقل، قابل توجه و گستاخانه است. در سال ۲۰۱۶، وزارت دادگستری آمریکا یک جریمه ۱۴ میلیارد دلاری را علیه بانک بین المللی بزرگ المان، دویتشه بانک به اجراء گذاشت، که منجر به هرج و مرج در بازار سهام المان شد، قیمت سهام را تا ۴۰٪ پائین کشید و سیستم مالی المان را بی ثبات ساخت. این حمله بی سابقه بر بانک بزرگ یک متحد در تلافی مستقیم علیه حمایت المان از ۱۳ میلیارد دالر خراج مالیات کمیسیون اروپا علیه فرار مالیاتی شرکت بزرگ امریکائی اپول برای «حقه بازی مالی بدنام خود در ایرلند بود .

رهبران کسب و کار و سیاسی المان بلافاصله لفاظی قانونی واشنگتن را برای آنچه بود رد کردند: اقدامات تلافی جویانه دولت اوپاما را به منظور حفاظت از فرار مالیاتی آمریکا و پولشویی شرکتهای بزرگ چند ملیتی دانستند.

رئیس کمیته اقتصادی مجلس المان اعلام کرد که تلاش زشت آمریکا برای اخاذی از دویتشه بانک تمام عناصر یک جنگ اقتصادی را داشت. او اشاره کرد که واشنگتن «چنانچه به نفع اقتصادی خودش باشد، یک سنت تاریخی برای استفاده از هر گونه فرصت طلبی در به راه انداختن چیزی دارد که منجر به یک جنگ تجاری شده است.» و «ادعای خسارت گراف» علیه دویتشه بانک یک نمونه تنبیهی بود. تحریم های اقتصادی آمریکا علیه برخی از شرکای تجاری بزرگ المان، مانند روسیه، چین و ایران، ایجاد تاکتیکی دیگر برای تضعیف اقتصاد صادراتی عظیم المان است. از قضا، وقتی که به جنگ های آمریکا علیه سوریه، افغانستان و عراق می رسد، که میلیون ها نفر پناهنده را به اروپا رانده و باعث ایجاد خرابی سیستم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی المان شده و دولت «متحد» آنجلا مرکل را تهدید به سرنگونی می کند، المان هنوز «یک متحد با ارزش» در نظر گرفته می شود .

وقتی که کنگره آمریکا قانونی را تدوین و تصویب کرد تا قربانیان امریکائی تروریست های اسلامی، به ویژه مرتبط با حملات ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱، حق شکایت از دولت عربستان داشته باشند و دارائی های خارج از کشورش را که شامل «وجوه مستقل» بسیار زیاد پادشاهی می شود، مصادره کنند، این عمل امریکا به منزله نقض خودسرانه و آشکار حاکمیت عربستان است، و یک جنگ اقتصادی - قضائی را علیه نزدیک ترین متحد خود در منطقه خلیج فارس راه اندازی کرده است. این قانون جعبه پاندورای جنگ اقتصادی را باز می کند که فوراً به قربانیان اجازه می دهد از هر دولتی برای حمایت از تروریسم شکایت کنند، از جمله امریکا! رهبران سعودی بلافاصله با تهدید به خروج میلیاردها دالر دارائی خود از خزانه امریکا و سرمایه گذاری ها واکنش نشان دادند.

تحریم های اقتصادی امریکا علیه روسیه جهت تقویت خفه گاه اقتصادی اروپائی خود طراحی شده است که متکی به تجارت با روسیه اند. این به ویژه باعث تضعیف روابط تجاری المان و پولند با روسیه شده است، که بازار بزرگی برای صادرات صنعتی المان و محصولات کشاورزی پولند است. در اصل، تحمیل تحریم های اقتصادی امریکا علیه مسکو قرار بود برای آسیب رساندن به مصرف کنندگان روسی باشد، تا باعث تحریک ناآرامی های سیاسی گردد و منجر به «تغییر رژیم» شود. در واقع، ناآرامی هائی که برانگیخته است، به طور عمده در میان صادرکنندگان اروپائی است، که قراردادهای آنها با روسیه را از بین برده و میلیاردها دالر ضرر کرده اند. علاوه براین، در حالی که واشنگتن به سوی رویکرد نظامی بیشتر «روی آورده»، آب و هوای سیاسی و دیپلماتیک بین اروپا و روسیه رو به وخامت گذاشته است. نتایج در آسیا حتی بیشتر سؤال برانگیز است: کمپین اقتصادی واشنگتن علیه چین به دو مسیر ناشیانه حرکت کرده است: معاملات زیان رسان با کشورهای آسیائی و اقیانوسیه و افزایش محاصره نظامی مسیرهای تجارت بحری چین توسط امریکا.

رژیم اوپاما، جک لو، وزیر خزانه داری را جهت ترویج مشارکت ترانس پاسیفیک (ت ت پ) به یک دوجین از کشورهای منطقه اعزام کرد، که آشکارا شامل چین، بزرگ ترین قدرت اقتصادی نمی شود. کنگره امریکا با یک تودهنی به دولت در حال خروج اوپاما، نمایش سلاح اقتصادی او، ت ت پ را علیه چین رد کرد.

در همین حال، اوپاما فلیپین «متحد» سابق خود و ویتنام را «تشویق کرد» تا از چین برای نقض قوانین بحری بر روی مسأله مناقشه «جزایر اسپارتملی» در دیوان دائمی داوری شکایت کنند. جاپان و استرالیا با هدف اخلاص در مسیر تجاری چین معاهدات نظامی و توافقات پایگاهی با پنتاگون به امضاء رساندند. به اصطلاح «محور آسیا» ی اوپاما کمپینی شفاف برای جلوگیری از بازارهای چین و شرکای تجاری او در آسیای جنوب شرقی و کشورهای پاسیفیک امریکای لاتین است. جنگ اقتصادی آشکار واشنگتن منجر به سیلی سخت تعرفه های وارداتی بر صادرات صنعتی چین، به ویژه بر فولاد و لاستیک شد. امریکا همچنین یک ناوگان بحری و هوائی تقویت شده برای «مانورهای مشترک» در مسیرهای تجاری منطقه ئی و قابل دسترس چین برای نفت مورد احتیاج در خلیج فارس فرستاد، که باعث شعله ور شدن «تنش جنگ» می شود.

در پاسخ به تجاوز و قیحانه واشنگتن، دولت چین ماهرانه بانک سرمایه گذاری زیرساخت آسیا (ای آی بی) را تأسیس نمود که بیش از پنجاه کشور مشتاق عقد قرارداد برای تجارت پرسود و معالات سرمایه گذاری با بیجینگ هستند. موفقیت شگفت انگیز بانک سرمایه گذاری زیرساخت آسیا نشانه خوبی برای «هژمونی محور پاسیفیک» اوپاما نبود.

به اصطلاح سازش امریکا - اتحادیه اروپا و ایران به جنگ تجاری واشنگتن علیه تهران پایان نداد. علی رغم توافق ایران برای ازبین بردن تأسیسات غنی سازی صلح آمیز اورانیوم و برنامه های تحقیقات هسته ئی خود، واشنگتن سرمایه گذاری با ایران را مسدود کرده است و تلاش می کند که روابط تجاری را تضعیف نماید، در حالی هنوز

میلیاردها دلار دارائی های دولت ایران را نگه داشته، که از زمان سرنگونی شاه، از سال ۱۹۷۹ بلوکه کرده است. با این وجود، کمیسیون تجارت المان یک توافق تجاری سه میلیارد دلاری را با ایران در اوایل اکتوبر ۲۰۱۶ امضاء کرد و از امریکا خواست تا به تعهدات خود با تهران عمل کند - که تا حال فایده ای نداشته است.

امریکا در ارسال ناوگان نیروی بحری هسته ئی خود به خلیج فارس تنهاست و روابط تجاری را تهدید می کند. حتی پادشاهی عربستان سعودی، دشمن دیرینه جمهوری اسلامی ایران، در جلسه اخیر اوپک با توافق نامه تولید نفت ایران موافقت کرده است.

اعلام جنگ اقتصادی واشنگتن علیه دو تا از مهمترین متحدان قدرتمند ستراتیژیک خود، المان و عربستان سعودی و سه تا از قدرت های جهانی رقیب در حال ظهور، رقابت اقتصادی امریکا را فرسوده ساخته، باعث تضعیف دسترسی اش به بازارهای سودآور گشته و وابستگی اش را به ستراتیژی های نظامی تهاجمی بر دیپلماسی افزایش داده است.

چیزی که درباره سبک جنگ اقتصادی واشنگتن قابل توجه و مبهم است، آن ست که چه گونه این جنگ های اقتصادی برای اقتصاد امریکا پرهزینه و برای متحدان امریکا، با سود واقعی بسیار کم بوده است.

شرکت های نفتی امریکا به خاطر تحریم های اوپاما میلیاردها دلار در معاملات بهره برداری مشترک با روسیه از دست داده اند. بانکداران، صادر کنندگان کشاورزی، شرکت های با فن آوری بالای امریکا فقط برای «تنبیه» روسیه به خاطر رژیم کودتا و به شدت فاسد و ورشکسته در اوکراین، فروش های سودآوری را از دست داده اند.

شرکت های چند ملیتی امریکا، به ویژه آن هائی که درگیر در ساحل حمل و نقل و کشتی سازی پاسیفیک، صنعت فن آوری سیلیکون والی و تولید کنندگان صادرات کشاورزی ایالت واشنگتن هستند، توسط توافقات تجاری امریکا که شامل چین نباشد، تهدید شده اند.

بازار میلیارد دلاری ایران به دنبال همه چیز از هواپیماهای تجاری گرفته تا ماشین آلات معدن ست. در حالی که رقبای اروپائی و آسیائی در حال امضای قراردادهائی با ایران هستند، به خاطر ادامه اعمال عملاً تحمیل تحریمات اوپاما معاملات تجاری عظیمی با شرکت های امریکائی از دست داده رفته اند.

علی رغم وابستگی واشنگتن بر دانش فن آوری المان و سرمایه گذاری های دالر نفتی سعودی به عنوان کلیدی برای جاه طلبی های جهانی خود، سیاست های غیرمنطقی اوپاما به تضعیف تجارت امریکا ادامه می دهد.

واشنگتن در جنگ های اقتصادی علیه «قدرت های اقتصادی کم تر» درگیر بوده است که با این حال نقش های سیاسی مهمی در مناطق خود بازی کرده اند. امریکا تحریم اقتصادی کوپا را حفظ می کند؛ تجاوز اقتصادی علیه ونزوئلا به راه می اندازد و تحریمات اقتصادی علیه سوریه، یمن و منطقه دونباس در اوکراین شرقی را تحمیل می کند. در حالی که این کشورها از نظر ضرر اقتصادی برای منافع کسب و کار امریکا پرهزینه نیستند، آنها نفوذ ایدئولوژیک و سیاسی قابل توجهی در مناطق خود اعمال می کنند، که جاه طلبی های امریکا را تضعیف میکند.

## نتیجه گیری

متوسل شدن واشنگتن به جنگ های اقتصادی مکمل تقویت نظامی ساختمان امپراتوری او ست. اما جنگ های اقتصادی و نظامی گزاره ها را از دست می دهند. در حالی که امریکا ممکن ست چند میلیارد دلار از دوپیتشه بانک بیرون بکشد، اما در روابط با صنایع، سیاستمداران و سرمایه داران مالی المان در دراز مدت، در مقیاس بزرگ خیلی بیشتر از دست می دهد. به این خاطر که المان در شکل دادن سیاست های اقتصادی در اتحادیه اروپا نقش کلیدی دارد، این شرایط بسیار بحرانی است. وقتی که کمیسیون اروپائی تحقیقات کنونی خود را به اتمام

برساند، عمل شرکت های بزرگ چند ملیتی امریکا که به دنبال بهشت های مالیاتی خارج از کشور در اتحادیه اروپا هستند ممکن است به پایان پرزحمت برسد. آلمان ها ممکن است نسبت به رقبای امریکائی خود بیش از حد همدرد نباشند. مشارکت ترانس پاسیفیک (ت پ پ) اوپاما نه فقط فروپاشیده است، بلکه چین را را مجبور ساخته است تا بازارهای جدیدی برای تجارت و همکاری با کشورهای آسیا و پاسیفیک باز کند. درست جهت مخالف هدف اصلی منزوی کردن بیجینگ. بانک سرمایه گذاری و زیرساخت آسیائی چین (ای آی بی)، ۴ برابر بیشتر شرکت کننده از ت پ پ و اشنگتن جذب کرده است و پروژه های زیرساخت گسترده ای برای اتصال بیشتر کشورهای آسیا را به اقتصاد چین تأمین مالی کرده است. رشد ۶.۷٪ اقتصادی چین، بیش از سه برابر رشد ۲٪ امریکا است. از این بدتر، در حالی که چین، روابط اقتصادی و قراردادهای همکاری با تایلند، فلیپین، پاکستان، کامبوج و لائوس را عمیق تر کرده است، و اشنگتن قابل اطمینان ترین متحدان تاریخی خود را برای دولت اوپاما بیگانه ساخته است.

ایران علی رغم تحریمات امریکا، بازارها و تجارت با آلمان، روسیه، چین و اتحادیه اروپا را به دست آورده است. درگیری سعودی و امریکا هنوز باید بازی شود، اما هر گونه تشدید تعقیب قانونی علیه پادشاهی منجر به از دست رفتن صدها میلیارد دالر سرمایه گذاری در امریکا می شود.

در واقع، کمپین جنگ اقتصادی اوپاما ممکن است منجر به جنگ نظامی پرهزینه تر بی پایان و از دست دادن مشاغل و سودها برای اقتصاد امریکا بشود. و اشنگتن به شدت منزوی شده است. تنها متحدانی که از تحریمات اقتصادی اش حمایت می کنند، قدرت های درجه دو و سه، مانند پولند و انگل های فاسد کنونی در اوکراین هستند. تا زمانی که پولندی ها و اوکراینی ها بتوانند از صندوق بین المللی پول (آی ام اف) «تله» بکنند و از اتحادیه اروپا و امریکا «وام» بگیرند، آنها مشوق اتهام اوپاما علیه روسیه خواهند بود. اسرائیل، تا زمانی که بتواند حریصانه ۳۸ میلیارد دالر اضافی را در «کمک» از اشنگتن قورت بدهد، بزرگ ترین حامی جنگ علیه ایران باقی می ماند.

واشنگتن میلیاردها دالر از دالره های مالیات دهندگان امریکائی را برای پایگاه های نظامی خود در جاپان، فلیپین و استرالیا خرج می کند تا سلطه خود را بر منطقه آسیا و پاسیفیک حفظ کند. اگرچه، متحدان او، در چشم انداز برای تجارت و معاملات سرمایه گذاری زیرساختی بیشتر با چین، دهانشان آب افتاده است. جنگ اقتصادی برای و اشنگتن کارساز نیست. برای این که اقتصاد امریکا نمی تواند رقابت کند، به ویژه زمانی که به متحدان و شرکای سنتی خود حمله می کند. متحدان منطقه ئی او مشتاق پیوستن به بازارهای «ممنوع شده» و مشارکت در پروژه های سرمایه گذاری بزرگ با بودجه چین هستند. رهبران آسیا به طور فزاینده ای و اشنگتن و «محور نظامی» اش را از نظر سیاسی غیرقابل اعتماد، ناپایدار و خطرناک می بینند. پس از اعزام هیأت اقتصادی دولت فلیپین به چین، باید منتظر کشورهای دیگری برای «پریدن از کشتی» باشیم (اصطلاح انگلیسی، یعنی فرار برای نجات جان و مال خود - م).

جنگ اقتصادی علیه دشمنان اعلام شده تنها زمانی می تواند موفق شود که امریکا متعهد به تجارت آزاد با متحدان خود باشد، به تحریمات تنبیهی و فشار برای پیمان های تجاری منحصر به فرد که اقتصاد متحدان او را تضعیف می کند، پایان دهد. به علاوه، و اشنگتن باید به آذوقه رسانی هوی و هوس منافع داخلی پایان دهد. در نبود این تغییرات شکست کمپین اقتصادی او فقط می تواند منجر به جنگ نظامی شود- (چشم اندازی ویرانگر برای اقتصاد امریکا و صلح جهانی).

**درباره نویسنده:**

جیمز پتراس، استاد بارتل (بازنشسته) جامعه شناسی در دانشگاه بینگهامتون، نیویورک است. آدرس سایت اینترنتی :

<http://petras.lahaine.org/>

**برگردانده شده از:**

**Washington's Global Economic Wars,**

**By James Petras**